

پاسخ به پرسش‌های مناطق مشترک

حجت‌الاسلام والمسلمین عبدالله مؤمنی*

مقدمه

یکی از شیوه‌های بیان معارف در قرآن، سنت پرسش و پاسخ است: «وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي؛^۱ و از تو درباره روح سؤال می‌کنند، بگو روح از فرمان پروردگار من است». بی‌شک نشاط علمی جامعه در زمینه‌های گوناگون در گرو پرسش و پاسخ است. راه مقاوم‌سازی باورها و جداسازی آن‌ها از خرافات نیز پاسخ‌های منطقی به پرسش‌هاست. در این مقاله تلاش شده است به پاسخ برخی از پرسش‌هایی که شیعیان در مناطق مشترک بیشتر مورد سؤال قرار می‌گیرند، پرداخته شود.

۱. آیا نیاکان پیامبر ﷺ یکتاپرست بودند؟

با توجه به اینکه تعداد انگشت‌شماری از اعراب آن زمان به خداوند و خالق هستی اعتقاد داشتند، مقصود از ایمان نیاکان پیامبر ﷺ یکتاپرستی آنان و پرهیز از پرستش بت‌هاست. بیشتر دانشمندان اهل سنت یکتاپرستی نیاکان پیامبر ﷺ را نپذیرفته‌اند و به کفر آنان معتقدند. آنان برای این عقیده خود به آیه‌ای از قرآن استدلال می‌کنند که از به بت‌پرستی «آزر»، پدر حضرت ابراهیم ﷺ که یکی از اجداد پیامبر ﷺ است، اشاره کرده است.^۲

پاسخ: واژه «أب»، «پدر» و ... در زبان عربی، فارسی و دیگر زبان‌ها همان‌گونه که

* کارشناس ارشد مذاهب اسلامی.

۱. اسراء: ۸۵.

۲. انعام: ۷۴، مریم: ۱۴ و ۴۲، شعراء: ۶۹ و ۷۰.

درباره پدر صُلبی به کار می‌رود، به سرپرست، عمو، معلم، پدرخوانده و ... نیز اطلاق می‌شود؛ چنانکه لفظ «ابن» و «پسر» نیز هم مشمول پسر صُلبی و هم پسر دختر، شاگرد و ... می‌شود. در قرآن هنگامی که حضرت یعقوب علیه السلام در وقت وفات از پسرانش سؤال می‌کند پس از من چه چیز را می‌پرستید؟ آن‌ها می‌گویند: «قَالُوا نَعْبُدُ إِلَهَكَ وَإِلَهَ آبَائِكَ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ»^۱ گفتند ما معبود تو و معبود پدرانت ابراهیم و اسماعیل و اسحاق را می‌پرستیم». در این آیه لفظ «پدر» بر اسماعیل علیه السلام اطلاق شده است، در حالی که آن حضرت عموی یعقوب علیه السلام بود. علامه طباطبایی با استناد به آیاتی از قرآن ثابت می‌کند که آزر عموی حضرت ابراهیم علیه السلام بوده است.^۲ برخی مفسرین و محققین همچون مسعودی، یعقوبی، ماوردی، سنوسی، تلمسانی و سیوطی ایمان اجداد پیامبر صلی الله علیه و آله را پذیرفته‌اند.^۳

شیعه بر این باور است که نور مقدس پیامبر صلی الله علیه و آله در صُلب و رحم مشرکی قرار نگرفته است؛ از این رو پدر، مادر و اجداد پیامبر صلی الله علیه و آله تا حضرت آدم علیه السلام همگی یکتاپرست بوده‌اند.^۴ گروهی از آنان ایمان خویش را اظهار کرده و گروهی دیگر پنهان و تقیه نموده‌اند.^۵ شیخ صدوق می‌نویسد: «اعتقادنا فیهم إناهم مسلمون من آدم الی أیه عبدالله»^۶ اعتقاد ما درباره نیاکان پیامبر صلی الله علیه و آله آن است که از حضرت آدم علیه السلام تا عبدالله پدر پیامبر صلی الله علیه و آله همگی یکتاپرست بوده‌اند». شیخ مفید نیز دیدگاه شیخ صدوق را پذیرفته است.^۷ ابوعلی طبرسی، مفسر شیعه نیز معتقد است علمای شیعه بر این مطلب اجماع دارند که تمامی اجداد پیامبر صلی الله علیه و آله یکتاپرست بوده‌اند.^۸

آیات

الف: «الَّذِي يَرَاكَ حِينَ تَقُومُ وَتَقْلِبُ فِي السَّاجِدِينَ»^۹ همان کسی که تو را هنگامی که

۱. بقره: ۱۳۳.
۲. سید محمدحسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۷، ص ۱۷۱ - ۱۶۸.
۳. جعفر مرتضی عاملی، الصحیح من سیرة النبی الأعظم، ج ۲، ص ۷۳.
۴. همان.
۵. محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۵، ص ۱۱۷.
۶. محمد بن علی صدوق، الاعتقادات الامامیه، ص ۱۱۰.
۷. محمد بن محمد مفید، تصحیح اعتقادات الامامیه، ص ۱۳۹.
۸. فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۶، ص ۷۹۸.
۹. شعراء: ۲۱۸.

(برای عبادت) بر می‌خیزی، می‌بیند و به انتقال تو در اهل سجود (و به دوران تحولت از اصلاّب شامخه به ارحام مطهره) آگاه است».

طبرسی در معنای این آیه می‌نویسد: «روح پیامبر ﷺ در صُلب پیامبران قرار داشت؛ پیامبری بعد از پیامبر دیگر تا اینکه خداوند او را از صُلب پدرش از ازدواجی پاک و دور از هر گونه ناپاکی از زمان آدم ﷺ به بعد بیرون فرستاد». بنابراین آیه، گواهی بر یکتاپرست بودن نیاکان پیامبر ﷺ است. در تفاسیر روایی شیعه نیز ذیل این آیه روایاتی که بر یکتاپرست بودن اجداد پیامبر ﷺ دلالت دارند، بیان شده است.^۱ محمود آلوسی نیز معتقد است اگر مراد از ساجدان، مؤمنان باشد؛ با این آیه بر وجود ایمان پدران پیامبر خدا ﷺ استدلال شده است و جمعی از اجله اهل سنت بر این عقیده استوارند.^۲

ب: «رَبَّنَا وَ اجْعَلْنَا مُسْلِمِينَ لَكَ وَ مِنْ ذُرِّيَّتِنَا أُمَّةً مُسْلِمَةً لَكَ ... وَ ابْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ»^۳ پروردگارا! ما را تسلیم فرمان خود قرار ده و از دودمان ما، امتی که تسلیم فرمانت باشند، به وجود آور ... پروردگارا، در میان آنان رسولی از خودشان برانگیز.»
«وَ اجْعَلْهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقِبِهِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ»^۴ و خدا این خداپرستی را در همه ذریت او تا قیامت کلمه باقی گردانید، باشد که (همه فرزندانش به خدای یکتا) رجوع کنند».

این آیات به صراحت گواهی می‌دهد که در نسل ابراهیم ﷺ همواره یکتاپرست و مسلمان وجود داشته است. پیامبر ﷺ نیز در روایتی فرموده است: «من پیوسته در بهترین خانواده‌ها و نیکوترین فرقه‌ها بودم».^۵ بنابراین نمی‌توان پذیرفت یکی از اجداد پیامبر ﷺ کافر باشند؛ چرا که یا باید گفت در آن زمان هیچ گروهی مؤمن نبوده است که با آیه قرآن ناسازگار است و یا باید گفت با وجود گروه مؤمن، پیامبر ﷺ (پنا بر خدا) از نسل گروه کافر بوده است که باز با کلام آن حضرت سازگار نیست. در حالت سوم و با وجود گروه مؤمن، باید پیامبر ﷺ را از نسل کفار و در عین حال نسل ایشان را بهترین بدانیم که به معنای بهتر دانستن خاندان کافران از خاندان

۱. محمد بن حسن طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۸، ص ۶۸.

۲. محمود بن عبدالله آلوسی، روح المعانی، ج ۱۰، ص ۱۳۵.

۳. بقره: ۱۲۸.

۴. زخرف: ۲۸.

۵. محمد بن عیسی ترمذی، سنن الترمذی، ج ۵، ص ۵۸۴؛ محمد بن اسماعیل بخاری، صحیح بخاری،

ج ۴، ص ۱۸۹.

یکتاپرست است و با آیه شریفه «وَلَعَبْدٌ مُّؤْمِنٌ خَيْرٌ مِّنْ مُّشْرِكٍ...»^۱ همانا بنده مؤمن بسی بهتر از آزاد مشرک است»، مخالف است. با بطلان این سه احتمال باید پذیرفت که تمامی نیاکان پیامبر ﷺ موحد بوده‌اند.

روایات

در منابع حدیثی شیعه روایات بسیاری ایمان اجداد پیامبر ﷺ را اثبات می‌کند. جابر بن عبدالله انصاری از رسول خدا ﷺ چنین نقل می‌کند:

إِنَّ اللَّهَ (تَعَالَى) لَمَّا أَحَبَّ أَنْ يَخْلُقَنِي، خَلَقَنِي نُطْفَةً بَيْضَاءَ طَيِّبَةً، فَأَوْدَعَهَا صُلْبَ أَبِي آدَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَلَمَّ يَزَلْ يَنْقُلُهَا مِنْ صُلْبِ طَاهِرٍ إِلَى رَحِمِ طَاهِرٍ إِلَى نُوحٍ وَإِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ، ثُمَّ كَذَلِكَ إِلَى عَبْدِ الْمُطَّلِبِ، فَلَمَّ يُصْبِنِي مِنْ دَنَسِ الْجَاهِلِيَّةِ؛^۲ همانا خداوند هنگامی که خواست مرا بیافریند، مرا به شکل نطفه‌ای سفید و پاک آفرید و سپس آن را در پشت آدم ﷺ قرار داد، و پیوسته آن را از پشت و رحم‌های پاک به دیگری انتقال می‌داد تا اینکه به پشت نوح و ابراهیم ﷺ راه یافت، سپس به همین ترتیب به عبدالمطلب رسید، از پلیدی‌های جاهلیت هیچ چیز دامن مرا نیالود.

امیرالمؤمنین ﷺ ضمن بیان ویژگی‌های پیامبران می‌فرماید:

خداوند پیامبران را در بهترین ودیعتگاه‌ها به ودیعت نهاد و در شریف‌ترین قرارگاه‌ها جای داد. آنان را از صُلب‌هایی کریم به رحم‌هایی پاکیزه منتقل فرمود. هر گاه یکی از ایشان از جهان رخت بریست، دیگری برای اقامه دین خدا جای او را گرفت تا کرامت نبوت از سوی خداوند سبحان نصیب محمد ﷺ گردید. او را از نیکوترین خاندان‌ها و عزیزترین دودمان‌ها بیرون آورد، از شجره‌ای که پیامبرانش را از آن آشکار نموده بود و امینان وحی خود را از آن برگزیده بود. خاندان او، بهترین خاندان‌هاست و اهل بیتش، نیکوترین اهل بیت‌ها.^۳

در متون تاریخی نیز دلایلی بر یکتاپرست بودن نیاکان پیامبر ﷺ وجود دارد؛ مانند دعای عبدالمطلب هنگام هجوم ابرهه به مکه برای خراب کردن کعبه و توکل او به خداوند متعال^۴ یعقوبی می‌نویسد: «حضرت عبدالمطلب، جد پیامبر ﷺ به دلیل عمل

۱. بقره: ۲۲۱.

۲. محمد بن حسن طوسی، الامالی، ج ۱، ص ۵۰۰.

۳. محمد بن حسین شریف الرضی، نهج البلاغه، ص ۱۳۹، خطبه ۹۴.

۴. اسماعیل بن عمر ابن کثیر قرشی، السیرة النبویة، ج ۱، ص ۳۴.

به آیین حنیف ابراهیمی به ابراهیم ثانی ملقب شده بود».^۱
 از عبدالمطلب شعری نیز نقل شده است که بر موحد بودن ایشان دلالت می‌کند:
 یا رب أنت الأحد الفرد الصمد
 إن شئت ألهمت الصواب و الرشداً^۲
 «ای پروردگارا! تو احد، فرد و صمد هستی. اگر بخواهی، راه راست و رستگاری را
 الهام می‌کنی».
 بنابراین پیامبر ﷺ از صلب یکتاپرستانی است که پاک‌ترین و بهترین اهل زمان خود
 بوده‌اند.

۲. بدعت چیست و مصادیق و احکام آن کدام است؟

بدعت در لغت از ریشه «بدع» به معنای ایجاد امر تازه و بدون سابقه است.^۳ در
 اصطلاح نیز به معنای ایجاد پدیده‌ای است که سابقه‌ای از آن در قرآن، سنت، اجماع
 و دیگر ادله شرعی نباشد و البته با نیت شرعی‌سازی (تشریح) همراه باشد.^۴ در برخی
 آیات قرآن، بدعت به معنای تجاوز از حدود الهی و ظلم،^۵ افترا بر خداوند^۶ و گناه^۷
 آمده است. در روایات فریقین نیز بدعت، نکوهش و از گناهان معرفی شده است.^۸ از
 همین روست که علمای شیعه و اهل سنت بدعت را حرام و از مصادیق کفر و شرک
 دانسته‌اند.

تعریف بدعت

مسلمانان همواره درباره علت بدعت اختلاف داشته‌اند و مذاهب اسلامی یکدیگر را
 به بدعت متهم می‌کنند. ابن تیمیه افراد و گروه‌های بسیاری را به بدعت متهم کرده و
 بسیاری از اعمال و رفتار رایج را بدعت دانسته است.^۹

۱. احمد بن اسحاق یعقوبی، تاریخ الیعقوبی، ج ۲، ص ۱۱.

۲. همان، ج ۱، ص ۲۴۷.

۳. خلیل بن احمد فراهیدی، العین، ج ۲، ص ۵۴.

۴. احمد بن علی ابن حجر عسقلانی، فتح الباری، ج ۱۳، ص ۲۵۳.

۵. مائده: ۸۷.

۶. انعام: ۱۴۴.

۷. نحل: ۲۵.

۸. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۵۶؛ احمد بن حنبل شیبانی، مسند أحمد، ج ۲۸، ص ۳۷۵.

۹. احمد بن عبدالحلیم ابن تیمیه، مجموعه الرسائل والمسائل، ج ۱، ص ۱۲۵.

برخی همچون بر بهاری، ابن تیمیه^۱ و محمد بن عبدالوهاب، با خلط معنای لغوی و اصطلاحی دامنه بدعت را توسعه داده و پدیده‌های جدید پس از رحلت پیامبر ﷺ را بدعت و حرام دانسته‌اند؛ مواردی همچون خواندن ذکر یا دعا بعد از اذان، تلاوت با صدای بلند، مجلس بزرگداشت موالید و وفیات برای بزرگان دین، مولودی‌خوانی، بلند گفتن ذکر لا اله الا الله بلند کردن هنگام تشییع جنازه، آویختن پرچم در تکایا. برخی دیگر با تقسیم پدیده‌های پس از رحلت رسول خدا ﷺ به دو قسم شایسته و ناشایست، بدعت ناشایست را حرام کرده‌اند.^۲ منشأ اصلی این تقسیم‌بندی نیز قول خلیفه دوم درباره نماز تراویح است که به دستور وی در شب‌های ماه رمضان به صورت جماعت خوانده و گفته شد: «نِعْمَ الْبِدْعَةُ هَذِهِ،^۳ این چه بدعت نیکویی است». گروهی نیز عملی را بدعت می‌دانند که دارای دو ویژگی باشد: ریشه و دلیلی در شریعت اسلام برای آن عمل یافت نشود، وانمود کردن آن عمل به عنوان طریق شرعی.^۴

دیدگاه سوم، بهترین دیدگاهی است که تا کنون ارائه شده است و روایات اسلامی آن را تأیید می‌کند؛ زیرا در بسیاری از روایات بدعت را در برابر سنت به کار برده و سنت، یعنی روشی که پیامبر ﷺ آن را بنیان نهاده و بر آن مواظبت داشته است. به قرینه مقابله روشن می‌شود که بدعت، شیوه‌ای است که بانی آن پیامبر ﷺ نبوده است و آن شیوه به نام دین رواج داده شده است. مواردی نیز که در روایات به عنوان مصادیق بدعت یاد شده، مؤید این مدعاست. بنابراین نوآوری‌هایی که ارتباطی به شریعت ندارد و مسئله عرفی و عادی است، بدعت نخواهد بود. اساس بدعت به این نکته باز می‌گردد که آن پدیده، فاقد ریشه شرعی است و شرعی‌سازی شده است. این در حالی است که اگر دلیلی شرعی به صورت خاص یا کلی یا حتی عمومات بر مشروعیت آن دلالت داشته باشد، آن عمل بدعت نخواهد بود.^۵ بسیاری از رفتارهای شیعه که توسط برخی بدعت شمرده شده است، تحت

۱. محمد بن ابی یعلی، طبقات الحنابلة، ج ۲، ص ۱۸؛ سلیمان بن سمحان نجدی، الهدایة السنیة والتحفة الوهابیة النجدیة، ج ۱، ص ۴۷.

۲. جعفر سبحانی، البدعه و آثارها الموقیة، ص ۲۶ و ۲۷.

۳. محمد بن اسماعیل بخاری، صحیح بخاری، ج ۳، ص ۴۵.

۴. ملا احمد نراقی، عوائد الایام، ج ۱، ص ۱۱۲.

۵. احمد بن علی ابن حجر عسقلانی، فتح الباری، ج ۱۳، ص ۲۵۴.

عمومات و ضوابط کلی شرع قرار می‌گیرد؛ مانند مجالس جشن و سوگواری اهل بیت علیهم‌السلام که مصداق و جلوه محبت اهل بیت است.

۳. آیا جمله «حَيَّ عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ» جزء اذان و اقامه است و چرا اهل سنت در اذان صبح، «الصلوة خیر من النوم» می‌گویند؟

فقهای شیعه، زیدیه و اسماعیلیه عبارت «حَيَّ عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ» (حیعه) را یکی از اجزای اذان و اقامه می‌دانند^۱ و به روایات بسیاری در این زمینه استدلال کرده‌اند.^۲ این در حالی است که فقهای اربعه اهل سنت این جمله از فقرات اذان و اقامه نمی‌دانند^۳ و عبارت «الصلوة خیر من النوم» (تثویب) را در اذان صبح مستحب می‌دانند.^۴ در برخی منابع اهل سنت عبارت «حَيَّ عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ» جزئی از اذان دانسته شده است؛ چنانکه از عبدالله بن عمر چندین روایت نقل شده است که این عبارت را در اذان می‌آورده است.^۵ بر اساس نقل بیهقی، ابو امامه، سهل بن حنیف و بلال حبشی نیز این عبارت را در اذان‌شان آورده‌اند.^۶ فقهای اهل سنت این روایات را نمی‌پذیرند؛ زیرا معتقدند این روایات در مصادر حدیثی دست دوم آمده و راویان احادیث ضعیف و از درجه اعتبار ساقط هستند. برخی نیز معتقدند این جمله در عصر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم جز اذان بوده و در عصر خلیفه دوم به خاطر مصلحت‌اندیشی وی که این جمله موجب اهمیت دادن بیش از اندازه مسلمانان به نماز و سستی آنان نسبت به جهاد می‌شود، از اذان حذف شد؛^۷ چنانکه در حدیثی از امام باقر و امام صادق علیهما‌السلام آمده است:

كَانَ الْأَذَانُ بِحَيِّ عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ عَلَى عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَبِهِ أُمِرُوا فِي أَيَّامِ أَبِي بَكْرٍ وَ صَدْرٍ مِنْ أَيَّامِ عُمَرَ ثُمَّ أَمَرَ عُمَرُ بِقَطْعِهِ وَ حَذْفِهِ مِنَ الْأَذَانِ وَ الْإِقَامَةِ فَقِيلَ لَهُ فِي ذَلِكَ فَقَالَ إِذَا سَمِعَ النَّاسُ أَنَّ الصَّلَاةَ خَيْرُ الْعَمَلِ تَهَاوَنُوا بِالْجِهَادِ وَ تَحَلَّفُوا عَنْهُ؛^۸ جمله «حی علی خیر

۱. علی بن حسین سید مرتضی، الانتصار، ص ۱۳۷؛ حافظ علوی، الاذان بحی علی خیر العمل، ص ۹۱.
۲. محمد بن حسن حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۴۱۶.
۳. محمد شوکانی، نیل الاوطار، ج ۲، ص ۴۶.
۴. عبدالرحمن الجزیری، الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، ص ۲۸۲.
۵. ابوبکر بن حسین بیهقی، السنن الکبری، ج ۱، ص ۴۲۴؛ عبدالله بن محمد ابن ابی شیبه، المصنف، ج ۱، ص ۱۹۶.
۶. سلیمان بن احمد طبرانی، المعجم الکبیر، ج ۱، ص ۳۵۲.
۷. سعدالدین مسعود بن عمر تفتازانی، شرح المقاصد فی علم الکلام، ج ۵، ص ۲۸۳.
۸. نعمان بن محمد ابن حیون مغربی، دعائم الإسلام، ج ۱، ص ۱۴۲.

العمل» در زمان رسول خدا ﷺ و نیز در زمان ابوبکر و اوایل خلافت عمر گفته می‌شد. سپس عمر دستور حذف آن را داد. وقتی علت آن را پرسیدند، گفت: مردم عوام وقتی بشنوند که نماز بهترین عمل است، در جهاد سستی کرده و از رفتن به جبهه خودداری می‌کنند.

این تصمیم خلیفه، اجتهاد در برابر نص است؛ زیرا مگر جنگ‌های زمان خلفا از غزوات و سرایای پیامبر ﷺ مهم‌تر بوده است که پیامبر ﷺ از گفتن این جمله نهی نکرد.

۴. نذر برای اولیا خدا چه حکمی دارد؟

یکی از اقسام نذر رایج میان مسلمانان، نذر عملی مانند قربانی برای خدا و هدیه دادن ثواب آن به یکی از اولیای الهی یا بندگان صالح خداست. برخی نیز نذر می‌کنند که در صورت برطرف شدن گرفتاری خود، مبلغی یا گوسفندی را نذر اطعام فقرا یا زائران کنند. نذر آنان برای خداست، اما ثواب آن عمل هدیه به ولی خداست. در میان علمای اهل سنت، تنها فرقه وهابیت این نوع نذر کردن را حرام و معصیت دانسته‌اند؛ چنانکه ابن تیمیه می‌گوید نذر برای قبر یا اهل قبور، حرام و معصیت است.^۱ ارزش هر عملی، به نیت آن عمل است. اگر نذر برای غیر خدا باشد، به این نیت که آن شخص شایسته این نذر است و زمام امور به دست اوست، شرک محسوب می‌شود؛ اما اگر نیت نذرکننده صدقه‌ای باشد تا ثواب آن به ولی خدا برسد، قطعاً صحیح است. خالدی، عالم اهل سنت پس از تأیید این مطلب می‌گوید: «تصور اینکه انبیا و صالحین بت‌هایی هستند - پناه بر خدا - و نیز عیدهایی از اعیاد جاهلیت است، از گمراهی و خرافات و جسارت این گروه بر انبیای الهی و اولیای اوست».^۲ در نقل تاریخی آمده است: شخصی نذر کرد که شتری را در منطقه‌ای نحر کند. از پیامبر ﷺ در این باره سؤال نمود. حضرت فرمود: «در آن مکان بتی که عبادت شود، وجود دارد؟». عرض کرد: «خیر». حضرت دوباره فرمود: «آیا در آن مکان، عید مشرکین گرفته می‌شود؟». عرض کرد: «خیر». آنگاه حضرت فرمود: «به نذر خود وفا

۱. احمد بن عبدالحلیم ابن تیمیه، *اقتضاء الصراط المستقیم*، ص ۳۱۵.

۲. داوود بن سلیمان خالدی، *صلح الإخوان*، ص ۱۰۲.

کن».^۱ همچنین شخص دیگری نیز نقل می‌کند: پدرم به پیامبر ﷺ عرض کرد: «من نذر کرده‌ام که پنجاه گوسفند در بوانه ذبح کنم». حضرت فرمود: «آیا در آنجا چیزی از این بت‌ها وجود دارد؟». جواب داد: «خیر». حضرت فرمود: «پس به نذرت وفا کن».^۲

ابی داوود نیز نقل کرده است که زنی نزد رسول‌خدا ﷺ آمد و عرض کرد: «ای رسول‌خدا ﷺ! ... من نذر کرده‌ام که در فلان مکان - که در آنجا اهل جاهلیت ذبح می‌کردند - ذبح نمایم». پیامبر ﷺ فرمود: «آیا در آنجا بت بزرگ است؟». آن زن عرض کرد: «خیر». حضرت نیز فرمود: «آیا بت کوچک است؟». عرض کرد: «خیر». در این هنگام پیامبر ﷺ فرمود: «به نذرت وفا کن».^۳

فهرست منابع

۱. ابن ابی شیبیه، محمد بن عبدالله، المصنف، چاپ اول، ریاض: مکتبه الرشد، ۱۴۰۹ق.
۲. ابن ابی یعلی، محمد بن محمد، طبقات الحنابلة، بیروت: دارالمعرفه، بی تا.
۳. ابن تیمیة، احمد بن عبدالحلیم، اقتضاء الصراط المستقیم، تحقیق ناصر عبدالکریم العقل، چاپ هفتم، بیروت: دار العالم الکتب، ۱۴۱۹ق.
۴. _____، مجموعه الرسائل والمسائل، مصر: المنار، ۱۳۴۹ق.
۵. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، فتح الباری، بیروت: دارالمعرفة، ۱۳۷۹ق.
۶. ابن حیون مغربی، نعمان بن محمد، دعائم الإسلام، تحقیق آصف فیضی، قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام، ۱۳۸۵ق.
۷. ابن حنبل، احمد بن محمد، المسند احمد بن حنبل، تحقیق شعیب الأرئوط، چاپ اول، بیروت: مؤسسه الرسالة، ۱۴۲۱ق.
۸. ابن کثیر قرشی، اسماعیل بن عمر، السیرة النبویة، تحقیق مصطفی عبدالواحد، بیروت: دارالطباعة، ۱۳۹۵ق.
۹. ابن ماجه قزوینی، محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، تحقیق محمدفؤاد عبدالباقی، بی جا: دار إحياء الکتب العربیة، بی تا.

۱. ابوداود سلیمان بن اشعث سجستانی، سنن ابی داوود، ج ۳، ص ۲۳۸.

۲. محمد بن یزید ابن ماجه قزوینی، سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۶۸۸.

۳. ابی داود سلیمان بن اشعث سجستانی، سنن ابی داود، ج ۳، ص ۲۳۸؛ علی اصغر رضوانی، سلسله مباحث وهابیت‌شناسی، ص ۶۸.

۱۰. ابو داود سجستانی، سلیمان بن اشعث، سنن أبی داود، تحقیق محمد محیی‌الدین عبدالحمید، بیروت: المكتبة العصرية، بی تا.
۱۱. آلوسی، محمود بن عبدالله، روح المعانی، تحقیق علی عبدالباری عطیة، چاپ اول، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۵ق.
۱۲. بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح بخاری، تحقیق محمد زهیر بن ناصر الناصر، چاپ اول، بیروت: دار طوق النجاة، ۱۴۲۲ق.
۱۳. بیهقی، ابوبکر بن حسین، السنن الکبری، دار الکتب العلمیة، بیروت - لبنات چاپ دوم، ۱۴۲۴ق.
۱۴. ترمذی، محمد بن عیسی، سنن الترمذی، تحقیق إبراهیم عطوة، چاپ دوم، مصر: شركة مصطفى البابی، ۱۳۹۵ق.
۱۵. تفتازانی، سعدالدین مسعود بن عمر، شرح المقاصد فی علم الکلام، چاپ اول، قم: الشریف الرضی، ۱۴۰۹ق.
۱۶. الجزیری، عبدالرحمن، الفقه علی المذاهب الأربعة، چاپ دوم، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۲۴ق.
۱۷. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، تحقیق: مؤسسة آل‌البت علیهم السلام، قم: مؤسسة آل‌البت علیهم السلام، بی تا.
۱۸. خالدی، داوود بن سلیمان، صالح الاخوان، مصر: المنار، بی تا.
۱۹. رضوانی، علی اصغر، سلسله مباحث وهابیت شناسی: وهابیت و توجه به اولیاء، قسم، دعا، نذر و قربانی، چاپ اول، تهران: مشعر، ۱۳۹۰ش.
۲۰. سبحانی، جعفر، البدعه و آثارها الموبقه، تهران، مشعر، ۱۴۱۶ق.
۲۱. سید مرتضی، علی بن حسین، الانتصار، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۵ق.
۲۲. شریف الرضی، محمد بن حسین، نهج البلاغة، چاپ اول، قم: هجرت، ۱۴۱۴ق.
۲۳. شوکانی، محمد بن علی، نیل الاوطار، چاپ اول، مصر: دارالحدیث، ۱۴۱۳ق.
۲۴. طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، چاپ دوم، بیروت: مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۰ق.
۲۵. طبرانی، سلیمان بن احمد، المعجم الکبیر، چاپ دوم، قاهره: مكتبة ابن تیمیة، بی تا.
۱. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تصحیح فضل الله یزدی طباطبایی؛ چاپ سوم، تهران: ناصر خسرو، ۱۳۷۲ش.

۲۶. طوسی، محمد بن حسن، الامالی، چاپ اول قم: دار الثقافة، قم، ۱۴۱۴ق.
۲۷. _____، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۲۸. صدوق، محمد بن علی، اعتقادات الامامیه، چاپ دوم، قم: کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۴ق.
۲۹. عاملی، جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الأعظم، چاپ چهارم، قم: دارالحديث، ۱۴۲۶ق.
۳۰. فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت: دار و مكتبة الهلال بی تا.
۳۱. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تحقیق علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، چاپ چهارم، تهران: دارالکتب الإسلامیة، ۱۴۰۷ق.
۳۲. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، چاپ دوم، بیروت: مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۳ق.
۳۳. مفید، محمد بن محمد، تصحیح اعتقادات الامامیه، تحقیق حسین درگاهی، چاپ دوم، قم: کنگره شیخ ۱۴۱۴ق.
۳۴. نجدی، سلیمان بن سمحان، الهدایة السنیة والتحفة الوهابیة النجدیة، مصر: مطبعة المنار، بی تا.
۳۵. نراقی، ملا احمد، عوائد الايام، چاپ دوم، قم: مکتبه بصیرتی، ۱۴۰۸ق.
۳۶. یعقوبی، احمد بن اسحاق، تاریخ یعقوبی، بیروت: دار طادر، بی تا.

بایسته‌های تبلیغ در مناطق مشترک

حجت‌الاسلام والمسلمین موسی‌الرضا تیموری*

مقدمه

تبلیغ دین به معنای رساندن آموزه‌های دینی و تأکید بر انجام اوامر و دوری از نواهی الهی جهت رشد و هدایت انسان‌ها، یکی از وظایف و رسالت‌های مهم انبیای الهی و وارثان آنان است و اینک حوزه‌های علمیه و روحانیون به عنوان وارثان انبیا، این تکلیف را بر دوش دارند. خداوند متعال در قرآن کریم با تمجید از مبلغین، کار آنان را ارزشمند دانسته و فرموده است: «وَمَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا مِّمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ وَ عَمِلَ صَالِحًا»^۱ کیست خوش‌گفتارتر از آن‌که به سوی خدا دعوت کند و کار نیک انجام دهد». رهبر معظم انقلاب «عظمت» تبلیغ دین را وظیفه اصلی روحانیون می‌داند تا دل‌ها و ذهن‌های مخاطبین به سمت یک هدف عالی و ولایی سوق پیدا کند: «جامعه علمی - دینی یعنی روحانیت، اولین وظیفه‌اش تبلیغ است. تبلیغ یک وظیفه درجه دوم و مخصوص عده‌ای خاص از روحانیون نیست، شرایط و لوازم و نیازها و تلاش‌هایی احتیاج دارد. کسانی که اهل این کارند، باید دامن همت به کمر بزنند و آستین‌ها را بالا کنند و این حرکت را انجام دهند».^۲ برای تأثیرگذاری تبلیغ، باید راهبرد مناسب آن در هر قشر و منطقه، مناسب و منطبق با زمان و مکان باشد. بر این اساس، تبلیغ در مناطق مشترک نیز از ویژگی‌های خاصی برخوردار است که با توجه به اهمیت

* دانش‌آموخته سطح چهار حوزه علمیه قم.

۱. فصلت: ۳۳.

۲. بیانات در دیدار جمعی از روحانیون، ۱۳۷۴/۱۰/۲۷.

موضوع، برخی از بایسته‌های تبلیغ در آن مناطق به اختصار ذکر می‌شود.^۱

۱. ترویج آموزه‌های قرآنی و برگزاری جلسات مشترک قرآن

قرآن کریم، معجزه الهی و کتاب مقدس همه مسلمانان است و جایگاه و حرمت خاصی در میان همه مذاهب اسلامی دارد. دعوت به توحید و یکتاپرستی، دوری از شرک و نفاق، دعوت به اتحاد و انسجام امت اسلامی و پرهیز از تفرقه، بخشی از آموزه‌های قرآن کریم است که باید سرلوحه زندگی فردی و اجتماعی مسلمانان قرار گیرد.

با توجه به جایگاه ویژه قرآن در جوامع اسلامی و مسلمانان، ضرورت دارد مبلغان مناطق مشترک در تبلیغ خود، قرآن را محور تبلیغ قرار دهند و عنایت ویژه‌ای به آن داشته باشند. تلاوت زیبای قرآن و حفظ آیات نورانی آن توسط مبلغان و شیعیان، موجب نورانیت قلب و روح می‌شود و به آسانی برخی از شبهات معاندان را نسبت به شیعه همچون تحریف قرآن و عدم اعتقاد شیعیان به آن و نیز شبهه عدم امکان حفظ قرآن توسط شیعیان از بین می‌رود. برگزاری جلسات قرائت قرآن به‌ویژه در ایام ماه رمضان که بهار قرآن است، با حضور قاریان شیعه و اهل سنت و تلاوت آیات نورانی آن توسط روحانیون تشیع و تسنن، جلوه خاصی از وحدت و همگرایی و تمسک به قرآن را به نمایش می‌گذارد. همچنین اهدای قرآن با چاپ جمهوری اسلامی ایران به مساجد و افراد مؤثر و شاخص نیز اثر مثبتی خواهد داشت؛ زیرا بیشتر قرآن‌های موجود در مناطق مشترک، با رسم‌الخط‌های خاص در کشورهای پاکستان، افغانستان و عربستان است. ترویج رسم‌الخط رسمی جمهوری اسلامی ایران در مناطق، ضرورت دارد. تأسیس و حمایت از مؤسسات قرآنی نیز می‌تواند اثربخشی بسیاری داشته باشد.

۲. تبیین صحیح مبانی مکتب اهل بیت علیهم‌السلام

از ابتدای شکل‌گیری مذهب تشیع و مکتب نورانی اهل بیت علیهم‌السلام تا کنون، عناد و دشمنی فراوانی نسبت به آن شکل گرفته و به شدت مورد بغض و کینه معاندان و

۱. در قسمت اول این مقاله (چاپ شده در شماره ششم نشریه ره‌توشه، ویژه مناطق مشترک، تابستان ۱۴۰۰) مواردی از بایسته‌های تبلیغ در مناطق مشترک بیان شد. در این قسمت، بخش دوم آن ذکر می‌شود.

مخالفان واقع شده است. آنان همواره تلاش کرده‌اند به هر طریقی، مبانی این مذهب را مخدوش و پیروان آن را از بین ببرند و مانع گسترش آن شوند. جنایاتی که علیه ائمه علیهم‌السلام به‌ویژه حادثه دردناک و ناگوار کربلا به‌وجود آمد، بر اساس همین بغض‌ها و دشمنی‌ها بود. طرح تهمت‌ها و شبهات متعدد توسط معاندین بر این اساس بود که اجازه ندهند حقانیت تشیع به حق‌طلبان برسد. در عصر حاضر نیز معاندین و افراطیون به‌ویژه سلفی‌ها و وهابیت می‌کوشند از راه‌های مختلف و با ابزار و رسانه‌های متعدد و مخصوصاً ظرفیت فضای مجازی و ماهواره‌ای، عقاید شیعه را مورد هجمه قرار دهند و با طرح مسائل غیرعلمی و اتهامات واهی، چهره نورانی مکتب اهل‌بیت علیهم‌السلام را خدشه‌دار کنند. این شبهات در مناطق قومی و تلفیقی به مراتب بیشتر است و افزون بر مخدوش کردن ذهن و فکر اهل سنت منطقه نسبت به اعتقادات شیعیان، ممکن است بر تعامل آنان با برادران شیعه خود اثر منفی بگذارد و برخی از شیعیان بومی را نیز که از نظر اعتقادی قوی نیستند، دچار تردید در اعتقاد و مناسک دینی کند. از این رو مبلغین باید آموزه‌های دینی و مذهبی تشیع را به درستی تبیین کنند و با معرفی صحیح اعتقادات و باورهای شیعه، ایمان مردم را تقویت نمایند و کلام ائمه اهل‌بیت علیهم‌السلام را به مخاطبان برسانند تا اثرگذار باشند؛ چنانکه امام رضا علیه‌السلام فرموده است: «فَإِنَّ النَّاسَ لَوْ عَلِمُوا مَحَاسِنَ كَلَامِنَا لَاتَّبَعُونَا؛^۱ اگر مردم زیبایی سخن ما را می‌دانستند، از ما تبعیت می‌کردند».

همچنین مبلغین باید با آگاهی از جدیدترین شبهات و سؤالات مطرح شده در مناطق مشترک به‌ویژه شبهات شبکه‌های ماهواره‌ای و فضای مجازی، به آن پاسخ دهند تا وجدان‌های بیدار و انسان‌های با فطرت، حقایق را بپذیرند و کوردلان و شبهه‌افکنان مغرض نیز رسوا شوند.

۲. آشنایی با آداب و رسوم محلی و فرهنگ قومی و احترام به آن

مردم ایران به‌ویژه در مناطق مشترک، دارای آداب و رسوم محلی و فرهنگ قومی و قبیله‌ای خاص خود هستند و به آن فرهنگ و رسوم نیز علاقه دارند و احترام می‌گذارند. یکی از مهارت‌های تبلیغ در مناطق قومی و تلفیقی، آشنایی مبلغین با این فرهنگ و رسوم است. قرآن کریم با تعبیری جامع و زیبا در توصیف پیامبران فرموده

۱. محمد بن علی صدوق، عیون اخبار الرضا علیه‌السلام ج ۱، ص ۳۰۷.

است: «وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَّسُولٍ إِلَّا بِلِسَانٍ قَوْمِهِ»^۱ پیامبران با ادبیات گفتاری و رفتاری مردم سخن می‌گفتند». مبلغینی که به آداب و رسوم مردم مناطق آشنا هستند و به فرهنگ مردم احترام می‌گذارند، در تبلیغ خود نیز موفق‌تر هستند. آشنایی برخی مبلغین با زبان و لهجه مردم و سخن گفتن آنان با همان زبان و لهجه و یا پوشیدن لباس بومیان مناطق، موجب ایجاد نوعی انس، الفت، همدلی و حس آرامش در میان مردم منطقه می‌شود تا جایی که فرد مبلغ را از خود می‌دانند. این احساس آرامش و خودی بودن، احتمال موفقیت در تبلیغ را بیشتر می‌کند و آثار مثبتی بر جای می‌گذارد.

۳. تلاش جهت تقویت وحدت و تعامل با پیروان مذاهب

گسترش زندگی اجتماعی به‌ویژه در عصر حاضر، ضرورتی انکارناپذیر است. ملت‌های مسلمان و امت اسلامی، به این تعامل و ارتباط با یکدیگر نیاز دارند تا افزون بر رفع نیازهای فردی و اجتماعی و برآورده کردن حاجات زندگی روزمره، به حفظ اتحاد و انسجام امت اسلامی نیز کمک کنند و در برابر اجانب و بیگانگان، همانند سدی محکم و خلل‌ناپذیر، منسجم و مستحکم باشند.

آموزه‌های قرآنی و سیره پیامبر ﷺ و ائمه علیهم‌السلام همواره بر تعامل و ارتباط پیروان مذاهب با یکدیگر تأکید کرده‌اند. امامان معصوم علیهم‌السلام همیشه اصحاب و یاران خود را به شرکت در نمازهای جماعت، عیادت بیماران و حضور در تشییع اموات پیروان مذاهب اسلامی سفارش نموده‌اند؛ چنانکه امام صادق علیهما السلام در بیان استراتژی و نحوه تعامل شیعیان در جامعه به‌ویژه در ارتباط با اهل سنت به یاران خود فرموده است:

صَلُّوا عَشَائِرَكُمْ وَ اشْهَدُوا جَنَائِزَهُمْ وَ عُوذُوا مَرَضَاهُمْ وَ ادَّوُوا حُقُوقَهُمْ فَإِنَّ الرَّجُلَ مِنْكُمْ إِذَا وَرَعَ فِي دِينِهِ وَ صَدَقَ الْحَدِيثَ وَ أَدَّى الْأَمَانَةَ وَ حَسَّنَ خُلُقَهُ مَعَ النَّاسِ قِيلَ هَذَا جَعْفَرِيُّ قَيْسُرُنِي ذَلِكَ وَ يَدْخُلُ عَلَيَّ مِنْهُ السَّرُورُ وَ قِيلَ هَذَا أَدَبُ جَعْفَرٍ وَ إِذَا كَانَ عَلَى غَيْرِ ذَلِكَ دَخَلَ عَلَيَّ بِلَاؤُهُ وَ عَارِزُهُ وَ قِيلَ هَذَا أَدَبُ جَعْفَرٍ؛^۲ با اقوام خود پیوند داشته باشید و به جنازه مرده‌های‌شان حاضر شوید و بیماران‌شان را عیادت کنید و حقوق‌شان را پردازید؛ زیرا هر کس از شما که در دینش پارسا و راستگو باشد و امانت را به صاحبش برگرداند و اخلاقش با مردم خوب باشد، گویند این جعفری است و این، مایه سرور

۱. ابراهیم: ۴.

۲. محمد بن حسن حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۳۸۹.

و شادمانی من است و اگر بر خلاف این برنامه رفتار کند، نکوهش و عار آن به من می‌رسد که با مسخره و استهزا می‌گویند ادب جعفری بهتر از این نیست. تعامل و مراوده پیروان مذاهب با یکدیگر نقش تأثیرگذاری در تقویت مشترکات مذاهب اسلامی، تحکیم، تعالی و رشد جامعه اسلامی دارد. در این تعامل هم‌چنانکه می‌توان به مناسک و اعتقادات خاص دینی خود عمل نمود، می‌توان یکی از دستاوردهای انقلاب اسلامی را که تأکید بر وحدت، انسجام و تشویق بر زندگی مسالمت‌آمیز پیروان مذاهب در کنار یکدیگر با حفظ بر اعتقادات و انجام مناسک دینی بر مبنای مذهب خود است؛ به نمایش گذاشت. شایسته است مبلغین مناطق مشترک، مردم را به تداوم زندگی مسالمت‌آمیز ترغیب و تشویق کنند و تفرقه و جدایی بر حذر دارند.

خوش اخلاقی و برخورد کریمانه

برخورد مناسب و جذاب همراه با گفتار نیکو، از دستورات دینی است. قرآن کریم رمز موفقیت پیامبر اکرم ﷺ در جذب مردم به دین را اخلاق نیکو دانسته و فرموده است: «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ»^۱ به برکت رحمت الهی، در برابر آنان نرم و مهربان شدی و اگر خشن و سنگدل بودی، از اطراف تو پراکنده می‌شدند». همچنین به آن همگان دستور داده است که با مردم به زبان خوش سخن بگویند: «قُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا»^۲ با مردم به زبان خوش سخن بگویید». سفارش اهل بیت علیهم‌السلام به برقراری روابط اخلاقی و عاطفی با مردم و بیان شیوه‌های تحقق همزیستی اجتماعی در میان مسلمانان و حتی با پیروان مذاهب غیر اسلامی را می‌توان تلاشی سترگ در راستای وحدت اجتماعی و تقریب مذاهب اسلامی دانست. سفارش به رعایت اصول دینی و اخلاقی همچون مدارا، اخوت، معاشرت نیکو با مخالفان، حسن خلق، چشم‌پوشی از عیوب دیگران، خیرخواهی و اهتمام به امور مسلمانان و رفع حوایج آنها، حمل عمل برادران دینی بر صحت، مشورت و استفاده از آرای دیگران و تأکید بر صلح، سلام، ملاقات، عیادت و دیگر مظاهر اخلاقی و عاطفی را باید از مصادیق بارز این مسئله در سیره و سنت آن بزرگواران

۱. آل‌عمران: ۱۵۹.

۲. بقره: ۸۳.

دانست؛ چنانکه پیامبر اکرم ﷺ فرموده است: «إِنَّكُمْ لَنْ تَسْعُوا النَّاسَ بِأَمْوَالِكُمْ، فَالْقَوْمُ بِبَطْلَاقَةِ الْوَجْهِ وَحُسْنِ الْبَشْرِ؛^۱ شما هرگز نمی‌توانید با دارایی خود همه مردم را بهره‌مند سازید، پس با آنان با گشاده‌رویی و خوشرویی تمام برخورد کنید». امام رضا علیه‌السلام نیز در بیانی شیوا از پیامبر اکرم ﷺ به خوش خلقی و گفتار نیک دستور داده و فرموده است: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: رَأْسُ الْعَقْلِ بَعْدَ الْإِيمَانِ بِاللَّهِ التَّوَدُّدُ إِلَى النَّاسِ وَاصْطِنَاعُ الْخَيْرِ إِلَى كُلِّ بَرٍّ وَفَاجِرٍ؛^۲ پیامبر خدا ﷺ فرمود: پس از ایمان به خداوند، مهربانی کردن با مردم و نیکی کردن به خوب و بد آن‌ها، بیانگر خردمندی و دوراندیشی است». خوش خلقی، خوش‌برخوردی، اخلاق نیکو و رفتار و کردار کریمانه و مناسب در همه جا لازم و ضروری است، اما ضرورت آن در مناطق مشترک دو چندان است؛ زیرا مبلغان در جامعه، به عنوان جانشینان پیامبر ﷺ و امامان علیهم‌السلام شناخته می‌شوند و لباس روحانیت به لباس پیامبر ﷺ شهرت دارد. از این رو مردم از مبلغین دینی در همه جا و نسبت به هر شخصی، انتظار برخورد اخلاقی و دینی مناسب دارند؛ به‌ویژه در مناطق مشترک که پیروان دیگر مذاهب مبلغین را با ظرافت و دقت تحت‌نظر دارند و نسبت به گفتار و کردار آنان حساس هستند. بر اساس تجربه‌های بسیاری، خوش‌اخلاقی و برخورد خوب و پرجاذبه مبلغان موجب تحول افراد و جذب آنان به مکتب نورانی اهل بیت علیهم‌السلام شده است.

۵. بیان دستاوردها و خدمات نظام جمهوری اسلامی در کشور و مناطق قومی

جمهوری اسلامی از ابتدای تأسیس تا کنون، خدمات شایسته‌ای در عرصه‌های مختلف به‌ویژه در عرصه فرهنگی و مذهبی نموده است که باید طبق آیه شریفه «وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ»^۳ این خدمات برای مردم بازگو شود؛ اگر چه کاستی‌ها و کمبودهایی نیز به علل متعدد به‌ویژه موانع خارجی و کم‌کاری‌ها وجود دارد که باید با تلاش مضاعف آن‌ها را جبران کرد و موانع و کاستی‌ها را برطرف نمود تا کارآمدی نظام در همه مناطق به‌ویژه مناطق تلفیقی محسوس و ملموس‌تر شود. منظور از کارآمدی هر نظام، بررسی موفقیت‌ها در تحقق اهداف با توجه به امکانات

۱. حسین بن محمدتقی نوری، مستدرک الوسائل، ج ۸، ص ۴۵۳.

۲. محمد بن علی صدوق، عیون أخبار الرضا علیه‌السلام، ج ۲، ص ۳۵.

۳. ضحی: ۱۱.

و موانع است؛ از این رو در بررسی کارآمدی باید به سه شاخصه «اهداف»، «امکانات» و «موانع» توجه کرد. بر این اساس زمانی می‌توان کارآمدی یک نظام را بررسی کرد که موانع داخلی همچون میراث منفی حکومت‌های قبلی، گروه‌های مخالف و سنگ‌انداز داخلی، افزایش تقاضای خدمت، موانع تولید و ... و موانع خارجی مانند تحریم‌های اقتصادی، تهدیدات سیاسی و نظامی و ... مورد توجه قرار گیرد.

با بررسی این اهداف و موانع تا تحقق مطلوب و ارائه الگوی جامعه دینی و اسلامی برخوردار از حداکثر مواهب مادی و معنوی، فاصله وجود دارد؛ هر چند که در طول این سال‌ها، گام‌های اساسی و زیربنایی برداشته شده است. رهبر معظم انقلاب مدظله‌العالی در سفر سال ۱۳۸۱ به استان سیستان و بلوچستان، خاطره‌ای را در جمع مردم زاهدان بیان فرمود که حاکی از توجه و اهمیت نظام جمهوری اسلامی به مناطق محروم است. ایشان فرمود:

بعد از پیروزی انقلاب، اولین حکم مأموریتی که امام رضوان‌الله‌علیه صادر کردند، حکمی به این بنده حقیر برای سفر به استان سیستان و بلوچستان بود. من آمدم و مناطق گوناگون این استان را از نزدیک دیدم و انقلاب وظیفه خود را در قبال این استان حس کرد. از جنوبی‌ترین نقاط استان، از منطقه چابهار و نیک‌شهر و فنوج و اسپکه و غیره تا مناطق شرقی این استان، منطقه سراوان و جالق و سرباز؛ از مناطق شمالی این استان، منطقه زابل و دریاچه هامون تا غرب این استان، منطقه بزمان و دلگان و چاه‌هاشم و جازموریان و غیره خبرها گرفتم. با مردم این مناطق نشستیم، داخل کپرها رفتم و با دردها و رنج‌های این‌ها که در دوران رژیم طاغوت بر روی هم انباشته و متراکم شده بود، آشنا شدم. انقلاب خود را در قبال سیستان و بلوچستان موظف دید و کار از روزهای اول شروع شد. جهاد سازندگی و اجتماعات و جمعیت‌های مردمی خودجوش در این مناطق مشغول کار شدند. جوان‌های امروز زاهدان و چابهار نمی‌دانند که گذشته این استان چگونه بود. اگر گذشته وحشتناک زندگی در این استان تصویر شود، معلوم می‌شود که نظام اسلامی در این منطقه چه خدمات گرانبهایی را انجام داده است، اما آن حقیقتی که از یاد نمی‌رود و امیدوارم یکایک مسئولان همیشه آن را به یاد داشته باشند، این است که این استان چندین برابر آنچه که به آن خدمت شده، نیازمند خدمت است.

محرومیت‌هایی که بر اثر تسلط طولانی پادشاهان جبار و بی‌فکر و بی‌کفایت بر مردم این استان تحمیل شده است، باید در طول مدت برطرف شود.^۱

محرومیت در مناطق مرزی و قومی، مختص به استان سیستان و بلوچستان نبود؛ بلکه همه استان‌های مرزی که اهل سنت در آن حضور دارند و حتی استان‌های مرکزی نیز این محرومیت را داشتند، اما نظام اسلامی با تمام محدودیت‌ها و موانعی که برای رشد اقتصادی و ایجاد رفاه و عمرانی در این مناطق داشت، وظیفه خود دانست و خدمات خود را به همه مناطق توسعه داد.

با نگاهی کلی به خدمات و اقدامات انجام شده بعد از پیروزی انقلاب اسلامی تا کنون، می‌توان اهم اقدامات و خدمات را در قالب اقدامات سیاسی، فرهنگی، آموزشی و تربیتی، حقوقی و قضایی، خدمات امنیتی، خدمات اقتصادی، رفاهی و عمرانی و ترویج و گسترش ارزش‌های اسلامی و توسعه مراکز دینی و ... برشمرد که لازم است مبلغین به تبیین آن پردازند و به صورت مناسب همراه با آمار و ارقام و مقایسه با وضعیت سابق، بیان کنند و کاستی‌ها، کمبودها و نیازهای اساسی را نیز مطالبه‌گری نمایند.

ترویج تفکرات انقلاب و دفاع از مبانی نظام مقدس جمهوری اسلامی، تبیین شخصیت امام خمینی علیه‌السلام و مقام معظم رهبری دامت‌تعالیه به عنوان رهبران جامعه اسلامی و پرچمداران دفاع از کیان امت اسلامی، حمایت از آرمان‌های ملت‌های آزاده و در خط مقدم مبارزه با استکبار و رژیم صهیونیستی، قدرشناسی از مبارزان قبل از انقلاب، رزمندگان، ایثارگران و خانواده‌های معظم شهدا، برگزاری یادواره‌های شهدای شیعه و اهل سنت به‌ویژه شهدای روحانی، از نکاتی است که مبلغین باید مدنظر قرار دهند.

۶. برنامه‌ریزی منسجم تبلیغی و همکاری با نهادهای تبلیغی

یکی از نقاط ضعف در تبلیغ، نداشتن برنامه منسجم و مناسب بر اساس داده‌ها و نیازهای حقیقی از هر منطقه است که منجر به عدم شناخت مخاطب، نیازها، آداب و رسوم می‌شود؛ در حالی که اگر با برنامه تبلیغی هدفمند همراه با شناخت دقیق بر

۱. بیانات در جمع مردم زاهدان، ۱۳۸۱/۱۲/۰۲.

اساس مشاهدات میدانی و تحلیل آمارها و داده‌ها اقدام شود، نتیجه تبلیغ مناسب و مؤثر خواهد بود. داشتن اطلس فرهنگی جامع و کامل و تجمیع اطلاعات مناطق در همه مکان‌ها به‌ویژه در مناطق مشترک ضرورت دارد و باید نهادهای تبلیغی و متولیان امر تبلیغ با همکاری مبلغین، اطلس فرهنگی را تهیه کنند.

حضور تبلیغی مستمر در یک منطقه و عدم جابه‌جایی منطقه تبلیغی در صورت امکان و نبود موانع، ارتباط وسیع با همه گروه‌ها به‌خصوص نخبگان و فرهنگیان و گروه‌های مؤثر، شناخت نیازهای تبلیغی و نقاط قوت و ضعف فرهنگی، ارائه گزارش دقیق از مسائل فرهنگی و اجتماعی به نهادهای اعزام‌کننده و همکاری با نهادهای تبلیغی برای تکمیل اطلس فرهنگی، کمک شایانی در اثرگذاری تبلیغ و رفع نقاط ضعف خواهد نمود.

ارتباط با مخاطبان در طول سال به‌ویژه در مناسبت‌های ملی و مذهبی به صورت حضوری یا از طریق تماس تلفنی و ارسال پیامک در تداوم تبلیغ، مؤثر است. بهره‌مندی از فضای مجازی و شبکه‌های مجازی در گسترش تبلیغ با تشکیل گروه‌ها و کانال‌های تبلیغی نیز ضرورت دارد و ضرورت آن در عصر حاضر که بیشتر اطلاعات مردم از طریق فضای مجازی به دست می‌آید، بسیار بیشتر است؛ زیرا از طریق فضای مجازی به راحتی و با کمترین هزینه می‌توان مطالب دینی را به مخاطبان انتقال داد و به صورت مناسب، به شبهات و سؤالات پاسخ داد و بر استمرار و تداوم تبلیغ اثرگذار افزود.

فهرست منابع

کتاب

۱. حر عاملی، محمد بن حسن، *وسائل الشیعه*، چاپ اول، قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام، ۱۴۰۹ق.
۲. صدوق، محمد بن علی، *عیون اخبارالرضا علیه‌السلام*، تصحیح مهدی لاجوردی، چاپ اول، تهران: نشر جهان، ۱۳۷۸ق.
۳. نوری، حسین بن محمدتقی، *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، چاپ اول، قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام، ۱۴۰۸ق.

سایت‌ها

پایگاه اطلاع‌رسانی و دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله العظمی سید علی خامنه‌ای دامت‌السلام.